

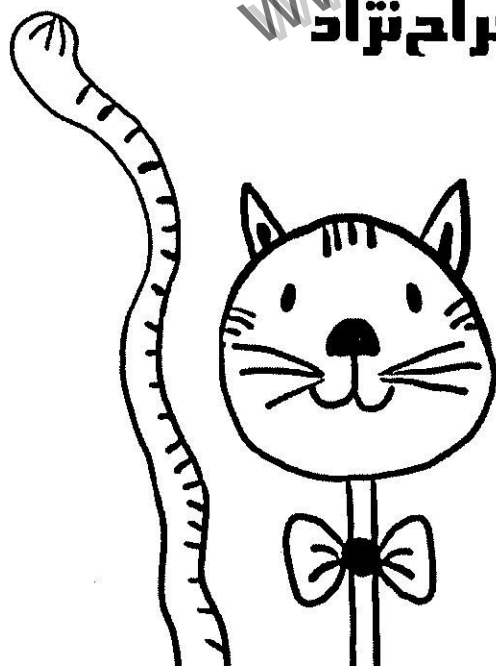
قلبعم را كنار كلمات برائے تو

جا گذاشتيم

(مجموعه كار يكلماتور)

www.ketab.ir

رضا جراح نژاد



سرسناسه	: جراح نژاد، رضا، ۱۳۳۶-۱۴۰۰
عنوان و نام پدیدآور	: قلم را کنار کلمات برای تو جا گذاشتم: (مجموعه کاریکلماتور)/ رضا جراح نژاد؛ طراح سیده لیلا کشمیری؛ ویراستار اصغر رضایی کمار.
مشخصات نشر	: اصفهان: ناران، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۴۱۴-۷-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: مجموعه کاریکلماتور.
موضوع	: کاریکلماتور
	: Cariclamature*
شناسه افزوده	: کشمیری، سیده لیلا، ۱۳۵۹-
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۹
رده بندی دیویی	: ۸۷۷/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۱۵۶۰۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

قلم را کنار کلمات برای تو جا گذاشتم

(مجموعه کاریکلماتور)

نویسنده: رضا جراح نژاد

ویراستار: اصغر رضایی کمار

تصاویر: سیده لیلا کشمیری

صفحه آرا: نجمه خادم

انتشارات: ناران

شابک: ۷-۵-۹۰۴۱۴-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

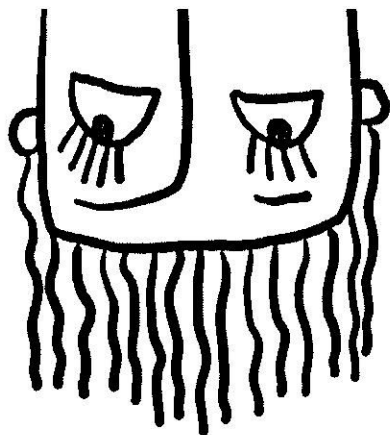
تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۵۰٫۰۰۰ ریال

کوچه باغ کاج، کوچه هاشم زاده، انتشارات ناران

تلفن: ۰۹۱۳۲۰۱۸۰۸۹





تقدیم به پدری که صبورانه از قصه‌ی مردمی که آکنده از غم و اندوه‌اند، نوشت و سرود.

پدر تو چقدر عاشقانه سخن عشق را به زیبایی هر چه تمام‌تر به نگارش درآوری و درنهایت معصومانه رخت برکندی و به وادی ابدیت پیوستی تا آرام بگیری، چون پرنده‌ای سبکبال پر کشیدی و رفتی و ما را در حسرت نگاه مهربانت تنها گذاشتی.

چه آرزوهایی برایت داشتیم. خواستیم شادمانه زندگی کنی و خوشحال و به دور از هر دغدغه‌ای بچرخ و راحت از غم روزگار عمر طولانی بگیری، اما افسوس نشد و حال رفتنت دغدغه‌ای شد برایمان تا در غم هجرانت، آثارت را جمع‌آوری کنیم و به شکل مکتوب درآوریم تا یادگاری ماندنی و بارزش از تو باقی بماند تا بهانه‌ای برای خاطرات باشد و به یاد تو همواره زندگی کنیم. این کتاب نفیس را تقدیم به روح پُرفروخت می‌کنیم، تقدیمی که از زحمات خودت هست، باشد که فرزندان شایسته‌ای برایت باشیم.

رضا جراح نژاد



زندگینامه‌ای کوتاه از رضا جراح‌نژاد

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در اراک چشم به جهان باز کرد و تمام تحصیلات خود را در شهر زادگاهش با شور و اشتیاق و با عشق به نوشتن به پایان رسانید و بعد از آن کارش را در اداره‌ی آموزش و پرورش آغاز کرد و سی سال به‌عنوان آموزگار در مناطق مختلف شهر اراک مشغول به‌کار بود.

ذوق ادبی او در همان نوجوانی در قلم شیوایش پدیدار بود. نشرهای روان و دوبیتی‌هایش را از سر ذوق با توجه به اتفاقات روز می‌سرود که مورد تشویق اطرافیان بخصوص خانواده و همکاران خود قرار می‌گرفت.

بعد از بازنشستگی فرصت بیشتری پدیدار شد که به علاقه‌ی همیشگی‌اش بپردازد. رباعیات و غزلیاتش را در این دوران سروسامان داد و شروع به نوشتن جدی کاریکلماتور کرد، اما در بهمن ۱۴۰۰ هجری شمسی در اوج ناباوری با سگته‌ی قلبی این جهان را ترک کرد.

نامش جاودانه باد و قلمش مانا.

